



فقط می خواهند ایرانیان برگردند، همین!

شبی در فرودگاه مهرآباد که هنوز تقلا می کند در قامت یک فرودگاه خودنمایی کند، دکتر هوشنگ امیراحمدی را دیدم.

سخنان او در روزنامه های کشور، بحث دیدارهایش با مقامات ارشد اجرایی کشور، شایعات بهبود روابط با آمریکا، میانجیگری وی، ثبت شرکت در منطقه آزاد کیش یا عضویت هیات مدیره دکتر امیراحمدی، همه و همه دست به دست هم داد تا شنونده نظرات وی باشم.

دکتر امینی، سفر مک فارلین و آن کیک معروف، دیدار مرحوم بازرگان با برزیسکی، همه و همه از نظرم



می گذرد. چاق سلامتی صبح کنم.

اغوربخیر، این دفعه اما در قالب یک businessman و سرمایه گذار به ایران آمدید، در کیش دفتر تجاری ثبت کردید، ظاهراً الان هم مسافر هستید، کجا ان شاءالله؟
عازم کرمان هستیم، اما اینکه چرا این بار در کسوت یک فعال اقتصادی آمدیم، چون معتقدم سیاست و اقتصاد به موازات هم پیش می روند. در اکثر مذاکراتم نیز بحث های اقتصادی و بازگشت سرمایه گذاران ایرانی را مطرح کرده ام.

اما خودتشان و نیاز دارند، آیا شما نماینده همه سرمایه داران ایرانی مقیم خارج هستید؟

من یا هوشنگ انصاری یا علی لاجوری یا محمود خیامی یا نقشینه فرقی نمی کند؛ مهم این است که همه ی ما ایرانی هستیم، اقتصاددانان یا سیاستمداران، مهم این است که دلمان برای ایران می تپد، خوشبختانه ایرانیان اثرگذار مقیم اروپا در حال بازگشت یا مطالعه برای بازگشت به ایران هستند، اما ایرانیان مقیم آمریکا به دلیل قوانین شهروندی چنانچه اقدام به همکاری با ایران نمایند، مرتکب تخلف می شوند. این است که آنها با تاسیس کمپانی در کویت یا دب، به دنبال راهی برای ارتباط با ایران هستند.

این از برکات دولت احمدی نژاد است یا تلاش شما؟

دولت احمدی نژاد برای بازگرداندن ایرانیان کارآفرین مقیم خارج تلاش می کند، اما متأسفانه برنامه ی منسجمی ندارد. رحیم مشاعی در این زمینه خوب کار می کند و برنامه ریزی های وی، برگزاری جشنواره ها، اعیاد و مناسبت ها و کمک فرهنگی به ایرانیان خارج از کشور و... کارهای رحیم مشاعی است که پاسخ داده است. به نظرم سازمان جذب ایرانیان خارج و در راس آن پسر حاج آقا رسولی نیز فعال است.

چرا دولت احمدی نژاد برنامه منسجمی در این زمینه ندارد؟

چون توجهی به سرمایه گذاران، سرمایه داران و کارآفرینان ایرانی ندارد و فقط می خواهد آنها به ایران بیایند. در حالی که در زمان آقای هاشمی بسیاری از مدیران ارشد بسیج می شدند و برنامه می دادند تا سرمایه داران ایرانی را به کشور برگردانند. توجه کنید هزاران ایرانی ده ها هزار میلیارد دلار سرمایه در خارج دارند که بسیار بسیار از پول فروش چند سال نفت هم بیشتر است. بسیاری از کشورها به وجود آنها افتخار می کنند و فرش قرمز زیر پایشان پهن می کنند اما ما در ایران هنوز در چم و خم پارتنه و کوین مانده ایم و برایمان فرقی نمی کند که حاصل کار ایرانی وطن دوست چه کشورهایی را آباد می کند و کشورمان را از وجود آنها محروم کرده ایم.

آقای دکتر امیر احمدی شانس صلح و ارتباط بیشتر است یا جنگ؟

شانس صلح ۸۰ درصد است؛ فقط باید با درایت و مذاکره و حسن نیت پیش رفت.

فکر می کنید موفق شوید مأموریت جدید را انجام دهید؟

به دولت احمدی نژاد بستگی دارد. ظاهراً که لبخندها به لب و قفل ها از درها برداشته شده است.

نقره دست یافت. به نقل از روزنامه اعتماد، شماره ی ۱۷۵۰، چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۸۷، ص ۸

۴- در این زمینه، سخن علی دایی، فوتبالیست برجسته در جمع دانشجویان دانشگاه شریف می تواند به توضیح مطلب کمک کند. او در پاسخ به یکی از دانشجویان که پرسیده بود، «نیم ایران کی قهرمان فوتبال جهان می شود»، پاسخ داد بود: «هر گاه این دانشگاه کشتی فضایی بسازد». او با این گفته، بیان کرد که پیشرفت ورزش ما پیشرفت دیگر اجزای زندگی اجتماعی پیوندی نزدیک دارد.

۵- ورزش حرفه ای در جهان امروز به دلیل مخاطبان پرشمار و گوناگون، واکنش های گوناگونی را برمی انگیزد و دامنه ی تاثیر آن بر روی لایه های اجتماع، کلاس و دامنگیر است. در سال ۱۹۹۲ و با فاصله یک سال از فروریختن دیوار برلین و خارج شدن اروپای شرقی از پشت دیوار آهنین، بدیده های تازه ای در ورزش فوتبال پدیدار شدند؛ هیرستو استویچکف (از بلغارستان)، گتورگی حاجی (از رومانی) و... بازی خوب استویچکف و یکی دیگر از بهترین فوتبالیست های تیم بلغارستان که این تیم را به مقام چهارم جهان رساند و سبب شد این دو چهره به چهره های ملی تبدیل شوند تا آن جا که کلیسای بلغارستان اعلام کرد، این دو فوتبالیست را به مقام قدیسی منقح می کند و تصویر آنها را همچون شمایل های مذهبی بر دیوارهای کلیسای بلغارستان نقش خواهد کرد.

۶- دبای ورزش، شماره ۱۷۹۴، دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۸۷، ص ۱۲

۷- همان، ص ۵

۸- بررسی ها نشان می دهد که توانایی قلبی دختران ایرانی به دلیل نبودن فضای ورزشی کافی برای همه ی آنها، به شدت کاهش یافته است.

۹- احمد علم الهدی، امام جمعه شهر مشهد، در سخنانی در واکنش به پرچمداری یک زن ایرانی در بازی های المپیک چنین می گوید: «اینکه در رقابت های المپیک در چین، تیم ورزشی ما وقتی می خواهد حرکتی بین المللی انجام دهد، نباید پرچمدار آن یک خانم ورزشکار باشد، چرا که این موضوع جنگ با ارزش ها و آماده سازی مردم برای فرج امام زمان (عج) است. آیا می فهمید چه می کنید؟ اینکه در حرکتی بین المللی زن را جلودار می کنید، غیر از سربیزی از فرمایشات معصومان است؟ یا اینکه جمعه اول ماه شعبان زمانی برای اعیای ارزش های دینی است، در این روز در عرصه ی بین المللی حرکتی تند و ضد ارزشی انجام می شود». به نقل از روزنامه ی اعتماد، شماره ۱۷۲۳، یکشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۸۷، ص ۱

چند روز بعد علم الهدی در گفت و گو با روزنامه ی خراسان چنین می گوید: «در حالی که پرچمدار همه ی کشورها مردان ورزشکار هستند، چرا باید حامل پرچم ما یک زن باشد؟ این اقدام یعنی اینکه می خواهیم بگوییم، از نظر ما زن و مرد با هم برابر هستند و این همان نگاه فمینیسم است... وی با اشاره به ابراز مخالفت هایش پیش از المپیک با مسوولان گفت: «متأسفانه بانوان ورزشکار ما در رقابت های بین المللی با وضع نامناسبی شرکت کرده بودند و عکس های آنها را من به مسوولان ورزش بانوان نشان دادم. من به آنها گفتم شما فرمودید، زن می تواند با پوشش در مسابقات اسکیت شرکت کند؛ در حالی که ژستی که ورزشکار ما در حال اسکیت گرفته است، کامل ضد ارزش های دینی ماست. یعنی این اقدام شما دو پیام داشته است: ۱- گفته ام یک خانم ورزشکار می تواند با پوشش اسکیت کند. ۲- اعلام کرده ام مساله تبرج و انجام حرکت های محرک از سوی یک عنصر دینی (دیندار) پلامانگ است». به نقل از روزنامه ی اعتماد شماره ی ۱۷۵۲، ۲ شهریور ۱۳۸۷، ص ۶